

مکاشفه سوم

# در باب «تنهایی» اسرار خودی و رموز بی خودی

## انذار

■ خدا، ای فرزند آدم!  
در شگفتی چگونه تو با مردم انس می گیری  
و به دیگران دل می بندی در حالی که می دانی  
تنها خواهی مرد  
و می دانی تنها در قبر خواهی خفت  
و تنها در پیشگاه من خواهی ایستاد  
و تنها حساب پس خواهی داد؟  
(محمد رضا زائر - کتاب تنهایی)

## صومعه پاک تنهایی

■ دکتر شریعتی: «راست است سخن اوپانیاشادها که در بیرون خبری نیست هر که به بیرون چشم بدوزد در انتظار خواهد مرد. به خود بازگرد در آنجا خواهی یافت زیرا همه چیز آن جاست، بیرون ظلمات است از این چشم هر چه زنج نمی جوشد پیغمبر(ص) می گفت: «من تنهایی را برگزیده ام که اگر این صومعه پاک و بناگاه مانوس نبود این دنیا که در دیوار و همه ساکنانش با من بیگانه اند، دشمن اند، مرا می کشت متعجب می کردی که بکنی چون من با این گرمی و بی پروایی با مردم در می آمیزد. به میان جمع می روم، در همه غرق می شوم، هر کسی را تحمل می کند. این همه آدم های جورواجور هر کدام با خود، او را جو می یابند می دانی با چه پشت گرمی تا قلب این دریای جمعیت می رنم و در دیگران غرق می شدم، هر کسی را و هر چیزی را تحمل می کردم. من در پشت سر، برج و باروی استوار و نفوذ ناپذیر تنهایی را داشتم که هر گاه زندگی می خواست گریزتم را به تنگ آورد به درون این معبد پناه می بردم و درها را می بستم، راست اگر ماه هم حلقه به در می کوفت جویان می کردم.»

## شهر تن ها

■ حامد موحیدیان: هرروز: در را که می بستی، همه ازدحام خیابان و مهمه یک روز پر کار، همان جا، در همان فضای کوچک شست گوش، پایان می یافت. راهرویی تنگ و تاریک، سرشار از بوی کاهگل، با خاکستری روی دیوارش که هر چه به انتها می رفت روشن و درخشان تر می شد همان طفر که چشم ها و شامت را نوازش می داد، تو را تا قلب خانه، تا حیاط، همراهی می کرد بهشت این جا بود و اتان تا آن گوشه کنار اتاق خاوه، رونه روی اتان بردارت نسوی حیاط، کمی آن طرف تر، مطبخ و نشیمن و سفره خانه همه، گرداگرد هم، چشم در چشم هم، گویی بر سر یک سفره گرد آمده اند، هر چند در آنوقت تنهایی و از پشت پنجره، سمدانی های لب حوض را و مادر را، که با کاسه های مسالینی، سنگ فرش گمراده حیاط را آب پاشی می کند، به نظاره نشسته ای.....  
- امروز:  
...به خیال خودت، همه ازدحام خیابان ها و همه نگاه های هرزه را پشت سر گذاشته ای!

## به هیچکس فکر نکن!

■ علیرضا سمیعی: برخی ها می دانند تنهایی؛ پس احتمالاً خودکشی می کنند چون، همیشه در سایه این زندگی می کنند. عده ای می دانند؛ البته فقط تا زمانی که با گیاهان - در یک کوجه بی بست یا چیزی شبیه آن غافلگیر می شوند- می فهمند که تنهایی همیشه از پشت مراقبان بوده است.  
خیال پیچ بازی را فهمیدند. با او زندگی کردند و با این حال هر گاه لازم بود حواس خود را از تنهایی بیرون بردند. جایی همین جا نشسته است و درما دست می برد.

## از دحام بی کسی

■ فاطمه اردبیلی: بعد از ظهر است. باید به خانه برگردم. چند ساعتی تلویزیون، کمی روزنامه، کامپیوتر کتاب و...  
این زندگی شلوغ و پیچیده و سریع بیگ آن مرا با خودم تنها نمی گذارد.

## Is there any body out there?

گفته و بی آرزو نیست به آینده و انسان بی گذشته و بی آینده یعنی انسان امروزی و همین بی تاریخی و بی آینده بودن او موجب سبکخانی او و تنهایی او می شود. انسان امروزی انسانی دیگری، دیده شده است و برای همین عبرت است که نمی تواند با عالم ارتباط برقرار کند.  
می داند که ارتباط یا او برای دیگران رنج آور است و خودش هم از این ارتباط رنج می برد. انسان مسخ شده امروزی بی خویشی است هم بی خویشی است و هم بی خود و در واقع به این دلیل خوشخواندی ندارد که خودی ندارد.

## بازن درخت نشین

■ فاطمه سلطانی:  
- وقتی آمدی پایین نشانت می دم،  
- باشد، اما من دیگر پایین نمی آیم...  
...و یک عمر زندگی روی درختان آگوزیموس از گفتن این جملات دیگر با بروی زمین نمی گذارد و این روشی است که او برای شورش مقابل نظام متحجر خانواده اش و زندگی کردن به شیوه ای متفاوت در پیش گرفته است.  
کوزیموها انسانی از بین جامعه است که به بروی زمین بلکه در جایی میان زمین و آسمان زندگی می کند و این سبک متفاوت زندگی روزها و شب های زیادی را رقم می زند که او مجبور است تک و تنها در میان درختان سر کند و با شیوه های ابتکاری خود بخورد، بخوابد و زندگی کند. و این ابتکار اگر نباشد، زندگی کردن به تنهایی و به شیوه ای متفاوت دیگر ممکن نیست.

تنهایی کمترین هزینه ای است که او باید برای انتخاب سلوک متفاوت زندگی بپردازد. اما از سوی دیگر این تنهایی سبب شده تا او زمین را بهتر ببیند و به گونه ای که متعلق به خود اوست به مردم و مشکلاتشان ببیند. کالوسودر جایی از داستان از زبان برادر کوچک تر کوزیمو که راوی داستان نیز هست می گوید: «هرگز ندانستم که کوزیمو چگونه می توانست شور و دلنشانی اش به زندگی اجتماعی را با گرایش همیشگی اش به گریز از جامعه آشتی دهد و این یکی از شگرف ترین ویژگی های او بود. هرچه بیشتر به زندگی دور از آدمیان در بالای درختان خود می گرفت به همان اندازه نرمی کوشید که رابطه های تازه ای را میان همنوعان برپا کند.»

## طوبی للفریاء

■ حاج اسماعیل دولابی: تنهایی عزت است. چشمه ای در قلب ما انسان هاست که وقتی مضطر می شویم غربت می گیرد. انسان گاهی احساس می کند که کسی اطراف او نیست تا او را دوست بدارد. این غربت نزد خدا عزیز است. ولی چه شد که این غربت قیمتی شد؟  
روی زمین کسی نیست که غریب نباشد. همه به صورت فرد خلق شده اند و همه روز رستاخیز تک و تنها نزد او حاضر می شوند.  
وقتی انسان به خدای خود نزدیک شد می بیند که فرد است. غربت به قربت نزدیک است.

تلفن گروه اندیشه: ۸۸۷۶۱۲۵۷



## حراج خلوت من

تعمان کوچکی من  
این روزها شادمانی می فروشم  
و صرفاً!  
و پارس سگ  
از دیوار خلوتم نشست بی کند...  
قرار است  
خودم کوچک شوم

خانه ام بزرگ  
و ساول افرادی ام  
درندشت،  
(مدیسن حسینی - کتاب ملکوت سکوت)

**فروش کتاب ویژه**  
**IRAN HOFEX 2006 MEDEX 2006**  
شانزدهمین نمایشگاه بین المللی  
مبلمان منزل و اداری  
دکوراسیون و معماری داخلی  
ماشین آلات، یراق آلات و تجهیزات تولید



تأثیر انحصاری کتابهای ویژه نمایشگاه  
**HOFEX 2006 MEDEX 2006**  
تلفن: ۸۸۷۶۱۲۵۷ - ۸۸۷۶۶۴۱ - ۸۸۵۰۵۲۸۸ - ۸۸۷۶۲۳۳۱

**آگهی تجدید مناقصه عمومی**  
شماره ۳/۳/۲/۸۶/ش  
نوبت دوم

**نام دستگاه مناقصه گذار:** شرکت شهرکهای صنعتی استان قزوین  
**نشانی دستگاه مناقصه گذار:** قزوین، بلوار شهید بهشتی، روبروی پارک دهخدا، شماره ۱۶۶  
**موضوع مناقصه:**  
۱- احداث مجتمع کالبرگامی شهرک صنعتی حیدریه واقع در ۱۷ کیلومتر ۱۷ جاده ترانزیت نکستین - تهران  
۲- برآورد بر اساس فهرست بهای سال ۱۳۸۵ و با در نظر گرفتن کلیه شرایط، متعلقه انجام گردیده است.  
۳- تجهیز کارگاه پیش بینی شده و تعدیل بر اساس آخرین بخشنامه پرداخت خواهد گردید.  
بدین منظور از کلیه پیمانکاران دارای رتبه حداقل ۵ اینه و ۵ تأسیسات دعوت می گردد مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به شماره حساب ۱۴۰۰۰۰۰۰۰۰ بانک ملت شعبه میدان آزادی قزوین واریز و نماینده آن شرکت جهت دریافت اسناد مناقصه به همراه فرمنامه کتبی و قبض و ابریزی به نشانی فوق مراجعه نمایند.  
**آخرین تاریخ دریافت اسناد مناقصه:** تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۸۶/۳/۲۷  
**آخرین مهلت پیشنهاد قیمت و مکان تحویل پلکات:** تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۸۶/۳/۱۹ تحویل دبیرخانه  
**مخت زمان و مبلغ برآورد اولیه اجرای پروژه:** ۱۰ ماه و ۲۳۳۷۹۳۰۰۰ ریال  
**زمان بازگشایی پلکات:** پس از پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۸۶/۳/۱۹  
مناقصه به صورت ۳ پلکات الف-ب-ج (قیمت) و یک مرحله ای خواهد بود.  
به پیشنهادات مشروط، مخدوش و فاقد سیرده ترتیب اثر داده نخواهد شد. هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.  
تلفن های تماس: ۰۲۶-۳۳۳۵۹۰۰ و ۳۳۳۵۹۰۰-۰۲۶  
سایت اینترنتی: [www.qazviniec.ir](http://www.qazviniec.ir)

**رابطه عمومی شرکت شهرکهای صنعتی استان قزوین**

**آگهی تجدید مناقصه عمومی**  
شماره ۳/۳/۲/۸۶/ش  
نوبت دوم

**نام دستگاه مناقصه گذار:** شرکت شهرکهای صنعتی استان قزوین  
**نشانی دستگاه مناقصه گذار:** قزوین، بلوار شهید بهشتی، روبروی پارک دهخدا، شماره ۱۶۶  
**موضوع مناقصه:**  
۱- احداث سه دستگاه پست برق شهرک صنعتی کسپین واقع در ۲۵ کیلومتر ۲۵ بزرگراه قزوین - تهران می باشد.  
۲- برآورد بر اساس فهرست بهای اینه سال ۱۳۸۵ و با در نظر گرفتن کلیه شرایط تهیه گردیده است.  
۳- تجهیز کارگاه پیش بینی شده و تعدیل بر اساس آخرین بخشنامه پرداخت خواهد گردید.  
بدین منظور از کلیه پیمانکاران دارای رتبه ۵ اینه و سابقه مکتبی دعوت می گردد مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال به شماره حساب ۱۴۰۰۰۰۰۰۰۰ بانک ملت شعبه میدان آزادی قزوین واریز و نماینده آن شرکت جهت دریافت اسناد مناقصه به همراه فرمنامه کتبی و قبض و ابریزی به نشانی فوق مراجعه نمایند.  
**آخرین تاریخ دریافت اسناد مناقصه:** تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۸۶/۳/۲۷  
**آخرین مهلت پیشنهاد قیمت و مکان تحویل پلکات:** تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۸۶/۳/۱۹ تحویل دبیرخانه  
**مخت زمان و مبلغ برآورد اولیه اجرای پروژه:** ۴ ماه و ۵۰۰۰۰۰۰ ریال  
**زمان بازگشایی پلکات:** پس از پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۸۶/۳/۱۹  
مناقصه به صورت ۳ پلکات الف-ب-ج (قیمت) و یک مرحله ای خواهد بود.  
به پیشنهادات مشروط، مخدوش و فاقد سیرده ترتیب اثر داده نخواهد شد. هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.  
تلفن های تماس: ۰۲۶-۳۳۳۵۹۰۰ و ۳۳۳۵۹۰۰-۰۲۶  
سایت اینترنتی: [www.qazviniec.ir](http://www.qazviniec.ir)

**رابطه عمومی شرکت شهرکهای صنعتی استان قزوین**